

دوشنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۵	
و طن‌امروز شماره ۴۷۱۴	
 	
نگاه	

آتش بر دامان آتش افروزا

ادامه از صفحه اول

در این مرحله، دست متحدان و بازیگران نیابتی برای ویرانگری، نسل کشی و زیر پا گذاشتن تمام موازین حقوق بین الملل باز گذاشته می‌شود. خطوط قرمز به تعلیق درمی‌آید، حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل به سپهری پولادین برای مصونیت‌بخشی به عاملان فجایع و جنایات ضدبشری بدل می‌شود و هر گونه صدای منتقد با برچسب‌های سیاسی و امنیتی خفه می‌شود. قدرت مداخله‌گر در این فاز، «شریک جرم کامل» و تأمین‌کننده ابلانزع سوخت و باروت ماشین جنگی است، زیرا اینگونه می‌پندارد که نتیجه این ویرانی، تثبیت نظم تحمیلی و تضعیف رقبا خواهد بود.در این میان متحدان بازیگر متجاوز نیز دست به کار شده و از هر گونه ابزار امنیتی، نظامی، اقتصادی و سیاسی ممکن برای تقویت بازی متحد اصلی و متوحش خود استفاده می‌کنند.ادقیقا مانند اقامداتی که ژرمن‌ها در حمایت از جنایات آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، فلسطین و لبنان انجام داده‌اند، اما واقعیت میدان دینامیک‌های پیچیده ژئوپلیتیک به ندرت مطابق شبیه‌سازی‌های خوش بینانه ات‌ها‌های فکر پیش می‌رود. زمانی فرامی‌رسد که عملیات نسل‌کشی بامداخله‌نظمی‌به، به جای تسلیم طرف مقابل، به جنگی فرسایشی بدل می‌شود؛ هزینه مادی جنگ برای حامیان سرر به فلک می‌کشد، خطوط تجارت جهانی ناام می‌شوند، پای قدرت‌های منطقه‌ای رقیب به منازعه باز می‌شود و خیابان‌های پایتخت‌های غرب‌در تسخیر نظارت‌هاشم‌گینه‌میلیون‌ها شهروند قرار می‌گیرد. در این مقطع، «بحران از نقطه بهینه خود خارج می‌شود.» برای دولتی که بقای هژمونی‌اش را در موازنه سود و زیان می‌بیند، تداوم کور کورانه وضعیت موجود به تهدید وجودی برای پرستیز بین‌المللی و منافع اقتصادی‌اش تبدیل می‌شود.درست‌همین‌جاست که ماشین رسانه‌ای و دیپلماتیک آلمان که رسماً حامی تروریسم بود، فرمان‌گردیسی را صادر می‌کند. واژگانی چون «ضرورت بازگشت به ثبات»، «جلوگیری از تشدید تنش منطقه‌ای، «نگرانی عمیق از فاجعه انسانی» و «مسئولیت جامعه جهانی» جایگزین طبل نوازی‌های پیشین برای پیروزی نظامی قاطع می‌شود. شاید دقیقه‌تقریب‌ترین بخش این راهبرد، تلاش برای القای تمایز میان «خود» و «متحد جنایتکار» باشد.دولت آلمان که تا چند روز قبل حامی مطلق تروریسم آمریکایی و صهیونیستی محسوب می‌شد، ناگهان در نقش قاضی ناظری مستقل ظاهر می‌شود.امقامات برلین از جمله مرتس پشت تربیین‌ها‌از «خلاف‌انظر تاکنیتی‌با واشنگتن «سخن می‌گویند و در گزارش‌های همدفند رسانه‌ای، این توهم و دروغ عظیم را بمیزای می‌کنند که گویا رفتارهای تروریستی و توحش‌آمیز واشنگتن و تل‌آویو از ابتدا مورد انتقاد آنها قرار داشته است!این تغییر نقش نخبما نقطه اوج ریاکاری ژرمن‌ها محسوب می‌شود، چرا که هیچ‌گاه با قطع واقعی شریان تسلیحاتی، تحریم‌متحد‌جنایتکار یا بازخواست متجاوز همراه نمی‌شود. این فاصله‌گذاری، صوری و زبانی است، در حالی که لجستیک نظامی و حمایت اطلاعاتی در پشت پرده با همان توان سابق ادامه می‌یابد. چنین چرخش‌های ناشیانه و مسیوق به سابقه‌ای، بیابگر یک بحران ساختاری عمیق‌تر در تمدن سرمایه‌داری غربی است: «فرسایش اقتدار هژمونیک» دهه‌اهدای نظم قانون‌محور (Rules-Based International Order) امروز به یک امر مضحک و ملواز و تضاد و تعارض داخلی بدل شده است. افکار عمومی جهان، حتی در میان جوانان و نخبگان غربی، دیگر این تناقض آشکار را باور نمی‌کنند. همه می‌دانند صلح‌طلبی ناگهانی و دروغین دولت کنونی آلمان و دیگر دولت‌های مشابه اروپا زاده وچنان بیدار یا تویه سیاسی نیست، بلکه ناشی از «سنشصال راهبردی» و ترس از فروریختن برجسته است. آشوبی که در پی این مداخلات زاده می‌شود، مانند بومرنگی است که پس از درنوردیدن غرب آسیا، اوکراین، آمریکای لاتین و آفریقا، اکنون به سوی خود غرب برتاب شده است. بحران پناهنجویان، جهش قیمت انرژی، انزوای اخلاقی در نهادهای بین‌المللی و گسست اجتماعی جوامع غرب،مالیاتی است که شهرنودان این کشورهابت زنده‌خواهی الیگارشی نظامی مالی حاکم بر خود می‌پرزاند.

اتمام حجت قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص) با کشورهای حاشیه خلیج فارس در صورت تجاوز احتمالی آمریکا به ایران

پایان خویشتن‌داری



در شرایطی که نشانه‌های تازه‌ای از تشدید هماهنگی نظامی میان آمریکا، رژیم صهیونیستی و کشورهای عرب منطقه علیه ایران آشکار شده، قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا(ص) با صدور اطلاعیه‌ای صریح، همزمان واشنگتن و کشورهای منطقه را خطاب قرار داد و تأکید کرد هرگونه اقدام جدید علیه جمهوری اسلامی ایران با پاسخی متفاوت مواجه خواهد شد؛ همداری که تنها چند روز پس از افشای نشست محرمانه فرماندهان ارشد نظامی آمریکا، رژیم صهیونیستی و کشورهای عرب در آلمان صادر شده و همین همزمانی، معنای پیام جدید تهران را پررنگ‌تر کرده است.

قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا(ص) در اطلاعیه خود اعلام کرد: «بر اساس اطلاعات دریافتی، آمریکای جنایتکار در پی پوشش شکست‌ها و دستپایی به دستاوردهای کاذب در جنگی که با اتکا به دروغ و صحنه‌سازی صهیونیست‌ها آغاز شده و با فریب و حيله استمرار یافته است، بار دیگر تصمیم گرفته با چراغ سبز برخی کشورهای منطقه، پس از نشست مشترکی در یکی از کشورهای اروپا، اقدامات علیه ایران اسلامی را از سر بگیرد.»

قرارگاه در ادامه با خطاب قرار دادن ایالات متحده هشدار داد: «چنانچه آمریکا علیه ایران اسلامی خطایی مرتکب شود، تمام مراکز استقرار و منافع آن کشور در منطقه، بدون هیچ گونه محدودیت و ملاحظه‌ای، هدف حملات مستمر، مؤثر و دردناک قرار خواهد گرفت.»

بخش مهم‌تر اطلاعیه، آنجایی است که مخاطب پیام، از واشنگتن به پایتخت‌های عرب تغییر می‌کند؛ قرارگاه هشدار داد: «چنانچه کشورهای منطقه با تداوم سیاست دوگانه در قبال جمهوری اسلامی ایران، با تجاوز شیطان بزرگ به ایران اسلامی و مقتدر همسو شوند، همگی در این شرارت شریک تلقی می‌شوند و دیگر نمی‌توانند از نیروهای مسلح قدرتمند ایران انتظار خویشتن‌داری یا نجابت را داشته باشند.»

همین تفکیک در متن اطلاعیه نشان می‌دهد هشدار

قرارگاه خاتم‌الانبیا صرفا یک پیام هشدارآمیز به واشنگتن نیست، بلکه یک اتمک حجت با کشورهای سر منطقه است که در اقدامات آمریکا علیه ایران نقش فعال دارند. اما منظور قرارگاه از نشست مشترکی که در «یکی از کشورهای اروپا» برگزار شده چیست؟ قرائن موجود، نگاه‌ها را به سمت آلمان می‌برد؛ جایی که ۲ هفته قبل، فرماندهان ارشد نظامی آمریکا، رژیم صهیونیستی و چند کشور عرب در نشستی خصوصی گردهم آمدند. آکسیوس ۱۵ سپتامبر در گزارشی اختصاصی از این نشست پرده برداشت و اعلام کرد فرماندهان ارشد نظامی آمریکا، اسرائیل و کشورهای عرب هفته گذشته در آلمان درباره جبر ایران و تنش‌های گسترده‌تر منطقه‌ای گفت‌وگو کردند. تارنمای آمریکایی نزدیک به محافل صهیونی به نقل از ۲ مقام صهیونیست نوشت: این نشست به ابتکار برد کوپر، فرمانده سنتکام برگزار شده و هیچ‌یک از کشورهای شرکت‌کننده پیش از آن رسماً برگزار جلسه را اعلام نکرده بودند.

از نظر زمانی نیز این جلسه اهمیت دارد. آکسیوس آن را نخستین گردهمایی از این نوع پس از آغاز جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران توصیف کرده است؛ نشستی که فرماندهان نظامی کشورهای ر با کنار یکدیگر قرار داده که برخی از آنها اسامی با رژیم صهیونیستی روابط دیپلماتیک ندارند؛ حداقل در ظاهر.

بنابراین اگرچه قرارگاه خاتم‌الانبیا به صورت رسمی نامی از آلمان نبرده و نمی‌توان با قطعیت گفت منظور اطلاعیه دقیقاً همین جلسه بوده است اما تطابق زمانی و محتوایی این ۲ رخداد، این احتمال را بسیار برجسته می‌کند.

■ **در آلمان چه گذشت؟**

سنتکام اصل برگزاری این نشست را تأیید کرد، هر چند روایت رسمی آمریکا درباره محتوای آن با ادبیات امنیتی و کلی‌تری اعلام شد. فرماندهی ارتش تروریست آمریکا در غرب آسیا اعلام کرد در جریان یک کنفرانس برنامه‌ریزی‌شده در آلمان، میزبان رهبران ارشد نظامی ۸ کشور بوده و شرکت‌کنندگان درباره «فرصت‌های تقویت همکاری‌های امنیتی در خاورمیانه» گفت‌وگو کرده‌اند.

آنچه اهمیت بیشتری دارد، جزئیاتی است که پایگاه خبری آکسیوس درباره محتوای نشست منتشر کرده است. بر اساس گزارش این تارنما، فرماندهان ارشد نظامی رژیم صهیونیستی، سعودی، امارات، بحرین، کویت، قطر، اردن و مصر در این نشست حضور داشتند؛ نشستی که فرمانده سنتکام آن را سازماندهی کرده بود.

در این میان، حضور رئیس ستاد ارتش رژیم صهیونیستی در کنار روسای ستاد ارتش کشورهای عرب، آن هم در نشستی تحت مدیریت سنتکام، اهمیت ویژه‌ای دارد. آکسیوس نوشت ایال زمیر، رئیس ستاد ارتش رژیم، گزارشی درباره عملیات ارتش اسرائیل در جبهه‌های مختلف به حاضران ارائه کرد.

مهم‌ترین بخش نشست از نگاه تهران شاید اظهارات برد کوپر باشد. فرمانده سنتکام به حاضران اطمینان داد ارتش آمریکا با وجود حملات ایران به پایگاه‌هایش، نیروهای خود را از منطقه خارج نخواهد کرد. این یعنی آمریکا در حال طراحی اقدامات بعد خود علیه ایران است. البته همان‌طور که آکسیوس اشاره کرده، اظهارات کوپر جهت اطمینان‌بخشی به متحدان منطقه‌ای ایالات متحده است، اگر نه بنا بر گزارش رسانه‌های آمریکا به نقل از منابع متعدد، ایالات متحده به دنبال تخلیه پایگاه‌های خود از اطراف ایران است.

بر اساس گزارش آکسیوس، کوپر همچنین فرماندهان حاضر را در جریان برنامه آمریکا برای افزایش تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز و مقابله با ابتکار عمل ایران در این آبراه راهبردی قرار داد.

در کنار این موارد، آکسیوس از گسترش همکاری‌های اطلاعاتی و امنیتی رژیم صهیونیستی با کشورهای عرب در جریان جنگ اخیر علیه ایران خبر داد. طبق این گزارش، اسرائیل در حمله به ایران، با آمریکا و امارات همکاری کرده و مقام‌های صهیونیست نیز خبر داده‌اند سامانه گنبد آهنین را همراه با نیروهای لازم برای عملیاتی کردن آن در امارات مستقر کرده بودند. این گزارش همچنین از ارائه کمک‌های اطلاعاتی، نظارتی و شناسایی لحظه‌ای تل‌آویو به ابوظبی خبر می‌دهد. همچنین به نوشته آکسیوس، تبادل اطلاعات میان اسرائیل و دیگر کشورهای عرب منطقه در جریان جنگ علیه ایران برقرار بوده و حتی افزایش یافته است. البته نشست آلمان فقط به جنگ علیه ایران محدود نمانده است. آکسیوس گزارش داد هم‌زمان با تشدید حملات انصارالله یمن علیه عربستان، صهیونیست‌ها و سعودی با کمک سنتکام درباره نحوه حمایت اسرائیل از عملیات نظامی عربستان علیه یمن، در حال مذاکره هستند. به عنوان نمونه یکی از موضوعات مورد بحث، ارائه کمک‌های اطلاعاتی، نظارتی و شناسایی تل‌آویو به ریاض است؛ الگویی که آکسیوس آن را مشابه حمایتی دانسته که رژیم اشغالگر قدس در جریان جنگ علیه ایران از امارات داشت.

■ **دیگر خبری از ملاحظه نیست**

جمهوری اسلامی ایران در جریان جنگ ۴۰ روزه، پاسخ‌های متقابل خود به حملات تجاوزکارانه ایالات متحده و رژیم صهیونیستی را بر پایگاه‌ها و عمدتاً مواضع نظامی آمریکا در منطقه، همچنین سرزمین اشغالی محدود کرد. حتی در شرایطی که کشورهای منطقه مبدأ حملات ارتش تروریست آمریکا علیه ایران بودند، تهران در اعلام مواضع رسمی خود، میان کشورهای شریک آمریکا و خود آمریکا تفکیک قائل شد. حالا قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا(ص) به کشورهای منطقه هشدار داده که اگر اقدامات آمریکا علیه ایران همراه شوند، «شریک» تلقی خواهند شد و دیگر نباید انتظار «خویشتن‌داری یا نجابت» نیروهای مسلح ایران را داشته باشند.

این بخش اطلاعیه را باید نوعی تغییر در قواعد محاسبه پاسخ دانست؛ یعنی اگر جنگ جدیدی آغاز شود و کشوری اجازه دهد خاک، آسمان یا زیرساخت‌هایش برای عملیات علیه ایران مورد استفاده آمریکا قرار گیرد، آن کشور نیز بخشی از معادله درگیری تلقی خواهد شد. منطق پیام اخیر قرارگاه این است که اگر چنین دیگری شکل گیرد، تهران نمی‌خواهد مرز میان آمریکا و کشور میزبان زیرساخت‌های نظامی آمریکا را به همان شکل گذشته تعریف کند و خویشتن‌داری ایران در جنگ ۴۰ روزه این بار دیگر موضوعیت نخواهد داشت. این هشدار با توجه به نشست آلمان اهمیت مضاعف

[معادله دفاعی جدید ایران]

جمهوری اسلامی ایران تاکنون در قبال همکاری کشورهای حاشیه خلیج فارس با آمریکا در تجاوز نظامی به ایران، خویشتن‌داری کرده است. در جنگ ۱۲ روزه با آنکه برخی از این کشورها در حمله آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران دست داشتند اما ایران بر اساس حسن همجواری و برای نشان دادن حسن‌نیت خود، خویشتن‌داری کرد و واکنش متقابل متناسبی نشان نداد. با این وجود سران این کشورها پیام این خویشتن‌داری ایران را درست درک نکردند. پس از جنگ ۱۲ روزه، مقامات ایران بارها به سران این کشورها چه به صورت خصوصی و چه به صورت علنی هشدار دادند در صورت حمله مجدد آمریکا به ایران و همکاری این کشورها با ارتش آمریکا، این بار تهران خویشتن‌داری را کنار خواهد گذاشت. با این حال حکام کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس بر اساس محاسبات اشتباه از قدرت ایران، نه‌تنها این هشدار ایران را جدی نگرفتند، بلکه در جنگ ۴۰ روزه، با سنتکام همکاری کردند و حتی تصاویر و فیلم‌هایی منتشر شد که ارتش آمریکا از خاک این کشورها به صورت مستقیم به ایران موشک شلیک کرد. در مقابل این شرارت کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس، ایران تا حدودی خویشتن‌داری را کنار گذاشت و پایگاه‌ها و تأسیسات نظامی مهم آمریکا در این کشورها را مورد هدف قرار داد. در کنار حمله به پایگاه‌های عرب حاشیه خلیج فارس، خسارت‌هایی را به برخی زیرساخت‌ها و مراکز انرژی ایران وارد کرد اما ایران در هدف قرار دادن تأسیسات و زیرساخت‌های اقتصادی کشورهای منطقه، سطحی از خویشتن‌داری را رعایت و اعمال کرد. در واقع رفتار ایران در جنگ تحمیلی ۴۰ روزه این پیام مهم را به حکام کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس منتقل کرد که ایران هم توانایی و هم عزم لازم را برای هدف قرار دادن منافع و زیرساخت‌های اقتصادی کشورهای منطقه دارد. از سوی دیگر در جریان حملات عرب عربستان به یمن، نیروهای انصارالله به گونه‌ای عمل کردند که آسیب‌پذیری کشورهای منطقه در برابر حملات موشکی و پهبادی مقاومت کاملاً آشکار شد. بنابراین اکنون سران کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌دانند اگر ایران که نیروی نظامی به مراتب قدرتمندتری نسبت به انصارالله دارد، بخواهد به زیرساخت‌های اقتصادی کشورهای منطقه که در حمله به ایران با آمریکا همراهی می‌کنند حمله کند، این کشورها خسارت‌های هنگفتی را متحمل خواهند شد. روز گذشته در بیانیه قرارگاه خاتم‌الانبیا، با سران کشورهای منطقه تمام حجت شد در صورتی که نسبت به همکاری‌های خود با آمریکا در حمله به ایران تجدینظر نکنند و بر نوعی و در سطحی در جهت حمایت از آمریکا به ایران مشارکت داشته باشند، جمهوری اسلامی ایران، این بار دیگر هیچ ملاحظه‌ای نخواهد داشت و با کنار گذاشتن خویشتن‌داری، همه اقدامات لازم را برای تنبیه این کشورها انجام خواهد داد. بر اساس اطلاعات به دست آمده، دستور کار نشست اخیر فرمانده سنتکام با فرماندهان نظامی رژیم صهیونیستی و ۶ کشور عرب امارات، عربستان، مصر، قطر، کویت و بحرین، حمله مجدد نظامی به ایران بوده است. کاملاً پیاداست اگر طی روزها یا هفته‌هایی آینده، آمریکا و رژیم صهیونیست به ایران حمله کنند، این امر سبب سیز این ۶ کشور عرب بوده است. بنابراین وقوع حمله نظامی به ایران، به معنای مشارکت این کشورها در این جنگ است و همان‌گونه که در بیانیه قرارگاه خاتم‌الانبیا مورد اشاره قرار گرفت، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، این کشورها را شریک و همدست متجاوزان تلقی کرده و اقدامات لازم را برای دفاع از تمامیت ارضی و امنیت ایران انجام خواهد داد. در چنین شرایطی، پاسخ‌های ایران متناسب با حملات مهاجمان خواهد بود. در واقع پاسخ‌های نیروهای مسلح ایران همسطح یا در سطحی بالاتر از حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی خواهد بود و دیگر خبری از خویشتن‌داری نیست. نیروهای مسلح ایران یک بانک اهداف فراگیر و گسترده در اختیار دارد و طبق هماهنگی‌های شکل گرفته، حملات ایران به این اهداف انجام خواهد شد.

در صورتی که که ارتش متجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی، زیرساخت‌های ایران را هدف قرار دهند، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بلافاصله زیرساخت‌های اقتصادی شرکای منطقه‌ای آمریکا و رژیم صهیونیستی در این جنگ را هدف قرار خواهد داد.

در این میان البته یک نکته بسیار مهم نیز وجود دارد: بر اساس راهبرد دفاعی جدید ایران، حملات احتمالی به مراکز حاکمیتی ایران نیز بی‌پاسخ نخواهد ماند. در جنگ ۴۰ روزه، با وجود حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی به مراکز دولتی و حکومتی ایران، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، پاسخ‌های خود را به حوزه‌های نظامی و بعضاً اقتصادی محدود کرد. این بار اما ایران تصمیم گرفته در صورت تکرار حمله به مراکز سیاسی و حاکمیتی خود، دست به مقابله به مثل بزند. بر همین اساس، مراکز حکومتی و ارتش‌های حکام کشورهای عربی همدست آمریکا و رژیم صهیونیستی به بانک اهداف ایران اضافه شده‌اند. این حق طبیعی و قانونی ایران است که حملات طرف متجاوز را در همان سطح پاسخ دهد. بنابراین در صورت تکرار سناریوی حمله به مراکز سیاسی و حاکمیتی ایران، این بار نیروهای مسلح ایران، به ساختمان‌های حکومتی و کاخ‌های سران کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس حمله خواهد کرد؛ اقدامی که بدون شک، جنگ را وارد مراحل جدیدی خواهد کرد و معادلات جدیدی بر میدان نبرد حاکم خواهد شد.

بر اساس اخبار و گزارشات فاش‌شده در رسانه‌های معروف دنیا بویژه رسانه‌های آمریکایی، پس از جنگ تحمیلی ۴۰ روزه علیه ایران، سران کشورهای حاشیه خلیج فارس، نسبت به راهبردهای امنیتی خود، بویژه برون‌سپاری امنیتی به آمریکا در حال تجدید نظر هستند. در همین راستا اخیراً واشنگتن پست به نقل از منابع مطلع و موق در برخی پایتخت‌های عربی حاشیه خلیج فارس، سران این کشورها به این نتیجه رسیده‌اند که هزینه جنگ ۴۰ روزه را آنها پرداخت کرده‌اند. واشنگتن پست همچنین بیان کرده که این کشورها به این نتیجه رسیده‌اند که آمریکا نه‌تنها توانایی تأمین امنیت این کشورها را ندارد، بلکه حتی قدرت لازم را برای تأمین امنیت پایگاه‌های نظامی و منافع اقتصادی خود در برابر حملات ایران نیز ندارد. آنتونی بلینکن، وزیر خارجه سابق آمریکا طی روزهای گذشته در اظهاراتی مهم تصریح کرد کشورهای حاشیه خلیج فارس، پس از جنگ ۴۰ روزه علیه ایران و آشکار شدن ضعف و ناتوانی آمریکا در برابر ایران، راهبردهای دیپلماتیک منطقه‌ای خود را تغییر داده‌اند. به گفته بلینکن، سران این کشورها به دنبال توافق با ایران هستند و در این راستا آمریکا را هم کنار گذاشته‌اند. این همان‌گونه که در بیانیه دیروز قرارگاه خاتم‌الانبیا مورد تأکید قرار گرفت، به رفتار و عملکرد این کشورها استناد و رفتار خود را بر اساس کردار این کشورها تنظیم می‌کند. با این حال، قطعاً سران کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس، بهتر از هر بازیگر دیگری، از توان دفاعی ایران و مهم‌تر از آن، عزم و اراده ایران برای تنبیه شرکای آمریکا و رژیم صهیونیستی در جنگ علیه ایران باخبرند. قطعاً هم در جریان جنگ تحمیلی ۴۰ روزه و هم پس از آن، این کشورها از مزایا خسارات وارده‌شده به اقتصاد خود مطلع شده‌اند. عربستان سعودی در جریان درگیری‌های اخیر با یمن، مجبور شده صادرات نفت خود را متوقف کند. در صورت ورود ایران به این فاز از جنگ، بدون تردید شرکای ترامپ و نتانیاهو، خسارت به‌مراتب سنگین‌تری را متحمل خواهند شد، کما اینکه جمهوری اسلامی ایران پیش از این صراحتاً اعلام کرده در صورت حمله به زیرساخت‌های انرژی خود، پاسخ‌های خود را به گونه‌ای انتخاب می‌کند که نه‌تنها صادرات نفت، بلکه تولید نفت در منطقه نیز متوقف شود؛ اقدامی که یک زلزله در بازارهای نفتی دنیاست.

می‌یابد، چرا که فرماندهان نظامی عربستان، امارات، بحرین، کویت، قطر، اردن و مصر در کنار فرمانده سنتکام و رئیس ستاد ارتش رژیم در یک نشست مشترک حضور داشتند. بنابراین پیامی تهران به کشورهای عرب منطقه را می‌توان اینگونه خلاصه کرد: اگر در جنگ جدیدی علیه ایران وارد بازی شوید، نباید انتظار داشته باشید قواعد پاسخ ایران همان قواعد جنگ سوم تحمیلی باقی بماند. علاوه بر این، دبیر شورای امنیت ملی نیز در گفت‌وگویی اخیر خود با

می‌یابد، چرا که فرماندهان نظامی عربستان، امارات، بحرین، کویت، قطر، اردن و مصر در کنار فرمانده سنتکام و رئیس ستاد ارتش رژیم در یک نشست مشترک حضور داشتند.

محرك این پشتیبانی چیست؟ کلید پاسخ به این سؤال، در شناخت ساختار دوگانه نظام حکمرانی چین نهفته است؛ ساختاری که توسط ۲ گروه اصلی اداره می‌شود: «حزب کمونیست» و «دستگاه دیوان‌سالاری». دستگاه دیوان‌سالاری، نگاهی کاملاً تکنوکراتیک، حرفه‌ای و تخصصی دارد. این بخش، سیاست‌ها را صرفاً بر اساس چرتکه اقتصادی، منافع ملی کوتاهمدت و محاسبه سود و زیان تجاری انتخاب می‌کند. در مقابل، حزب کمونیست دارای نگرانی کلان، سیاسی، ایدئولوژیک و مبتنی بر موازنه قدرت جهانی است. در حال حاضر، تداوم و تعمیق حمایت از ایران، دستوری است که از سوی «حزب» و بر پایه متغیرهای ایدئولوژیک و استراتژیک صادر شده و اساساً فاقد توجیه صرفاً اقتصادی است.

برای اثبات این مدعا کافی است به آمارها نگاه کنیم. بر اساس گزارش‌های اداره اطلاعات انرژی آمریکا و منابع تجاری، ۹۰ درصد نفت صادراتی ایران راهی بازارهای چین می‌شود. این در حالی است که این حجم عظیم برقی ایران، تنها تأمین‌کننده ۱۳ درصد نیاز نفتی چین است. از سوی دیگر، تقریباً یک‌سوم نیازهای وارداتی ایران توسط پکن تأمین می‌شود. حفظ این مبادلات برای چین بی‌هزینه نیست. به دلیل همین ارتباطات، بانک‌ها و غول‌های فناوری چین نظیر هواوی هدف شدیدترین تحریم‌های ثانویه آمریکا قرار گرفته و زیان‌های اقتصادی هنگفتی متحمل شدند. اگر منطق تصمیم‌گیری پکن صرفاً «تصادفی» و بر عهده دستگاه دیوان‌سالاری بود، قطعاً نفع آنها در این بود که قید ۱۳ درصد نفت ایران را بزنند، آن را از

گزارش «وطن امروز» از کالبدشکافی حمایت استراتژیک چین از ایران در عصر تغییر نظم جهانی

اعتماد پکن به تهران

به‌شدت نگران تکرار این سناریو برای جمهوری اسلامی ایران بود اما تحولات یک سال اخیر، نقطه عطفی در محاسبات استراتژیک چین ایجاد کرد. وقوع یک آشوب سازمان‌یافته و پیچیده داخلی در ایران در کنار ۲ حمله تمام‌عبار و بی‌سابقه به خاک کشورمان، به رغم سنگینی و ابعاد بنیان‌برافکن نتوانست نظم جمهوری اسلامی را متزلزل کند. این عبور موفقیت‌آمیز از بحران، به تحلیل‌گران و سیاست‌گذاران چینی ثابت کرد تهران، دمشق یا کاراکاس نیست، مطالعه مقالات و تحلیل‌های داخلی چین نشان می‌دهد امروز پکن درباره «بقای قطعی و تاب‌آوری ساختاری جمهوری اسلامی» اطمینان کامل کسب کرده و همین امر، سرمایه‌گذاری استراتژیک به تهران را برای آنها توجیه‌پذیر می‌کند. علاوه بر این، غرب آسیا چنین حایان در دکنترین «بکار کمربند و جاده» و امنیت انرژی چین ایفا می‌کند. پکن به‌خوبی می‌داند بدون اقتدار جمهوری اسلامی، این منطقه در گرداب آشوب و تلاطم غرق خواهد شد و منافع ملی و کردپورهای حیاتی چین مستقیماً به خطر می‌افتد. به همین دلیل می‌کوشد بدون درگیری مستقیم نظامی با واشنگتن، حمایتی همه‌جانبه‌ای تهران را به عمل آورد. انتشار برخی گزارش‌های رسانه‌ای مبنی بر دستپایی ایران به تصاویر ماهواره‌ای بسیار دقیق و باکیفیت از طریق منابع چین – تصاویری که گفته می‌شود در حمله هلتش به پایگاه آمریکایی در اردن و هلاکت نظامیان تروریست ارتش آن کشور مورد استفاده قرار گرفت – نشان‌های از همین پشتیبانی عمیق غیرمستقیم است.

■ **منطق حزب در برابر محاسبه دیوان‌سالاری**

اگر رابطه چین با ایران صرفاً اقتصادی نیست، پس موتور



اقدام اخیر وزارت دادگستری آمریکا

در درخواست صادره ۶۱ میلیون دلار رمزارز «بتر» ۲ شرکت چینی –بااین ادعا که‌این دارایی‌ها حاصل فروش نفت و محصولات پتروشیمی ایران است – پرده از تقابلی عمیق‌تر در اقتصاد سیاسی بین‌الملل برمی‌دارد. دادستان‌های آمریکا مدعی‌اند این مبالغه که در ماه‌های می و ژوئن سال گذشته از طریق کیف های پول دیجیتال منتقل شده‌اند، تنها بخشی از شبکه ۱۵۰ میلیارددلاری تسویه درآمدهای نفتی ایران در چین است. با این حال، پاسخ پکن به این فشارها از جنس انفعال نبوده است. صدور دستور منع حقوقی توسط وزارت بازرگانی چین در نیمه اردیبهشت برای محافظت از شرکت پالایشی چینی خریدار نفت ایران و ممنوعیت اجرای تحریم‌های آمریکا در خاک چین، در کنار اظهارات صریح «وانگ یی» وزیر خارجه این کشور مبنی بر اینکه پکن «فاطمه‌ناز حقوق و منافع مشروع ایران دفاع می‌کند»، حاوی یک پیام راهبردی است: پکن به‌روشنی دریافت‌تهاجات‌محور آمریکایی صهیونی به تهران، صرفاً یک تنش منطقه‌ای نیست، بلکه بخشی از پروژه بزرگ «تغییر نظم جهانی» است و چین نمی‌تواند در برابر تغییر توازن قوا به نفع هژمونی آمریکا بی‌تفاوت بماند.

■ **عبور از دوگانه «نهم جنگ» و «تقلیل اقتصادی»**

برای درک رفتار پکن در قبال تهران، نیازمند آسیب‌شناسی نگاه‌های رایج و بعضاً نادرست در محافل تحلیلی هستیم. در

کشورهای دیگر تأمین کنند و شرکت‌ها و بانک‌های خود را از زیر تیغ تحریم‌های آمریکا نجات دهند؛ تصمیمی که بی‌شک با استقبال فروشندگان رقیب نفتی و تجار چینی مواجه می‌شد اما چنین به دلیل اهداف استراتژیک «بحران چین، این زیان کلان اقتصادی را به جان می‌خرد تا شریان انرژی و ارتباط با ایران حفظ شود.

■ **پیش‌فرض‌های سه‌گانه در فهم استراتژی پکن**

با توجه به مؤلفه‌های بررسی شده، تنظیم یک دیپلماسی کارآمد با چین نیازمند پذیرش ۳ گزاره واقع‌بینانه به عنوان پیش‌فرض‌های تحلیلی است.

الف- چین برای ایران وارد جنگ نظامی نخواهد شد و نباید با توجه به مؤلفه‌های بررسی شده، تنظیم یک دیپلماسی ب- چین به ثبات، تاب‌آوری و بقای جمهوری اسلامی ایران در برابر تکانه‌های امنیتی و سیاسی غرب اطمینان کامل دارد و بر این اساس از ایران حمایت می‌کند. پ- چین حاضر است با استفاده از ابزارهای قدرتمند سیاسی (حق وتو در شورای امنیت) اقتصادی (خريدنفت و تأمین نیازهای کلان ایران)، هزینه‌های حفظ و حمایت از شریک استراتژیک خود را پرداخت کند.

الف- چین برای ایران وارد جنگ نظامی نخواهد شد و نباید با توجه به مؤلفه‌های بررسی شده، تنظیم یک دیپلماسی ب- چین به ثبات، تاب‌آوری و بقای جمهوری اسلامی ایران در برابر تکانه‌های امنیتی و سیاسی غرب اطمینان کامل دارد و بر این اساس از ایران حمایت می‌کند. پ- چین حاضر است با استفاده از ابزارهای قدرتمند سیاسی (حق وتو در شورای امنیت) اقتصادی (خريدنفت و تأمین نیازهای کلان ایران)، هزینه‌های حفظ و حمایت از شریک استراتژیک خود را پرداخت کند.

الف- چین برای ایران وارد جنگ نظامی نخواهد شد و نباید با توجه به مؤلفه‌های بررسی شده، تنظیم یک دیپلماسی ب- چین به ثبات، تاب‌آوری و بقای جمهوری اسلامی ایران در برابر تکانه‌های امنیتی و سیاسی غرب اطمینان کامل دارد و بر این اساس از ایران حمایت می‌کند. پ- چین حاضر است با استفاده از ابزارهای قدرتمند سیاسی (حق وتو در شورای امنیت) اقتصادی (خريدنفت و تأمین نیازهای کلان ایران)، هزینه‌های حفظ و حمایت از شریک استراتژیک خود را پرداخت کند.

الف- چین برای ایران وارد جنگ نظامی نخواهد شد و نباید با توجه به مؤلفه‌های بررسی شده، تنظیم یک دیپلماسی ب- چین به ثبات، تاب‌آوری و بقای جمهوری اسلامی ایران در برابر تکانه‌های امنیتی و سیاسی غرب اطمینان کامل دارد و بر این اساس از ایران حمایت می‌کند. پ- چین حاضر است با استفاده از ابزارهای قدرتمند سیاسی (حق وتو در شورای امنیت) اقتصادی (خريدنفت و تأمین نیازهای کلان ایران)، هزینه‌های حفظ و حمایت از شریک استراتژیک خود را پرداخت کند.